

دربارهٔ مرحوم محمد کاسبی و نقش درخشانش در تأسیس حوزهٔ هنری، فیلم «بدوک» و...

بدرود خوش غیرت



ایمان عظیمی خبرنگار گروه فرهنگ

سینمای تازه‌نفس و انقلابی دهه ۶۰، بیستم مهرماه ۱۴۰۴ یکی از مهم‌ترین چهره‌هایش را از دست داد؛ «محمد کاسبی» پس از یک دوره نسبتاً طولانی بیماری، در حالی چشم از جهان فرو بست که بنیان هنر انقلاب را به‌همراه تی چند از هم‌قطارانش بنا کرد و در کمال فروتنی حتی سرسوزنی از شاهکار خود در این سال‌ها بهر نیکرد. کاسبی برخلاف نام خانوادگی‌اش، از هنرش کیسه‌ندوخت و در سر هر بازاری چوب حراج به آن نزد. او از بنیانگذاران «حوزه هنری انقلاب اسلامی» و از اولین چهره‌های شاخص تلویزیون و به‌خصوص سینمای تازه پا گرفته انقلابی در اواخر دهه ۵۰ و دهه ۶۰ محسوب می‌شد. برای شناسایی ردپای این بازیگر و هنرمند ارزنده باید به سال ۱۳۵۸ و نقش مهم و نامبرای او در شکل‌گیری هسته اصلی حوزه «اندیشه و هنر اسلامی» رجوع کنیم، یعنی دقیقاً روزگاری که هنوز تکلیف سینما و به‌طورکل اشکال کارگردارپانه هنر مشخص نشده بود، جوانان انقلابی با توجه به بیانات امام(ره) تصمیم به ایجاد کانون‌هایی گرفتند که در آن زیبایی‌شناسی مدنظر خود را از صافی نگاه اسلام انقلابی رد کنند تا هم غذای سالم و مورد احتیاج روح را برای مردم فراهم آورند و هم آلت‌رأیوتی محلی در برابر فهم غربی از چیستی هنر باشند.

نسل امروز، محمد کاسبی را با سریال‌هایی نظیر «سه در چهار» و فصل اول و دوم «خوش رکاب» به یاد می‌آورند ولی از حضور فعال وی در پشت صحنه سینمای متعهد و اخلاق‌مدار ایران که به‌تنهایی بار هنر دینی را چه درون مرزهای جغرافیایی و چه در آن سوری آب‌ها به دوش کشید، اطلاع زیادی ندارند. در این گزارش ضمن مرور کارنامه مرحوم کاسبی، نقی به جایگاه خلل‌ناپذیر او در روشن شدن دوباره موتور هنر نمایش در دوران جدید خواهیم‌زد. محمد کاسبی با سریال‌هایی نظیر «صاحب‌لان»، «خوش‌رکاب»، «سعدونگ‌سعدونگ» و «زن‌بابا» برای مخاطبان دهه‌های هفتادی و هشتادی سیمیا چهره‌ای شناخته‌شده است که از حضورش در قاب تلویزیون لذت می‌بردند، اما بازخوانی مجدد نقش وی در ساخت بنای باشکوه سینمای انقلابی مسئله‌ای نیست که بتوان به‌سادگی از کنار آن گذر کرد.

از کاخ جوانان شاهنشاهی تا حوزه هنری انقلاب اسلامی

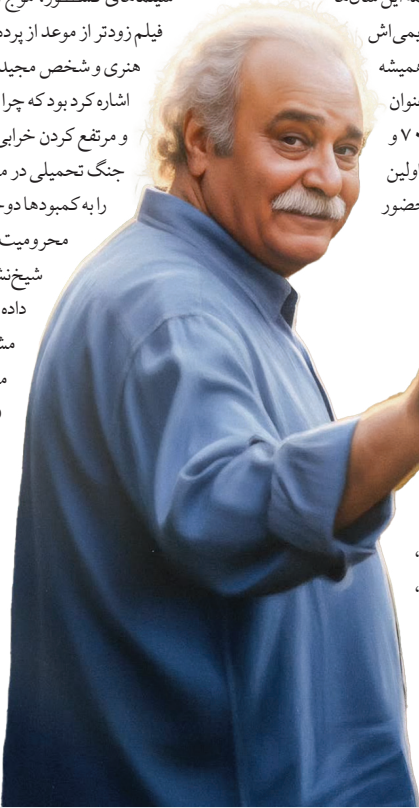
«کاخ جوانان» با هدف جلب نظر نسل تازه، یعنی متولدان دهه‌های ۳۰ و ۴۰ ششی به فعالیت‌های هنری، تحت لوای شاه‌دوستی و میهن‌پرستی در سال ۱۳۴۵ افتتاح شد و در شعب متعدد به پرورش ذوق جوانان و نوجوانان کشور در زمینه‌های متنوع فرهنگی و هنری نظر طیف زیادی از افراد را به فعالیت‌های خود جلب کرد. محمد کاسبی که در آن روزها، ۱۵ سال بیشتر نداشت برای شروع فعالیت‌های هنری‌اش به کاخ جوانان جنوبی رفت و تاتار را به شیوه نیمه‌حرفه‌ای فرا گرفت. هدف ایجاد این ظرفیت برای جوانان و نوجوانان آن روزگار بیش از آنکه صرفاً یک اقدام جدی به‌منظور فرزندان این سرزمین به‌نظر برسد، امکانی برای به تحت‌کنترل درآوردن فعالیت‌های

فکری بچه‌های طبقات پایین و متوسط و به‌طورکل آدم‌هایی بود که توسط سیستم «خطرناک» لقب می‌گرفتند. از سوی دیگر، رژیم پهلوی قصد داشت با مدیریت ذهن جوانان و نوجنان، برای خود پایگاه اجتماعی درست کند تا بدین واسطه با یک تیر، دو نشان بزند و آینده و حال حکومت وقت را با توجه به مدیریت امنیتی افکار عمومی به خدمت خود دریاورد تا خللی در راه ایده موهوم حرکت «به‌سوی تمدن بزرگ» پدید نیاید و زمینه برای تاجگذاری پسر محمدرضا پهلوی فراهم شود. باری، محمد کاسبی و بسیاری از جوانان و نوجوانان جنوب شهری با وجود حضور در فعالیت‌های هنری این مکان‌های به‌اصطلاح فرهنگی – هنری مسیری از متفاوت از آنچه برایشان تدارک دیده بودند، برگزیدند و خیلی زود هوش و قریحه‌شان را به پای انقلاب اسلامی ریختند. بازیگر «عزیزمن کرک نیستم» با ورود به دهه سوم زندگی خوش، یعنی در آغاز ۲۰ سالگی قبولی در کنکور رشته پرتर्फ‌دار پزشکی را به دلیل علاقه به نمایش رها کرد و به سربازی رفت. در آن ایام، کار و بار پزشکان هندی و پاکستانی به دلیل ضعف قابل توجه زیرساخت‌های پزشکی در کشور سکه بود و امثال کاسبی می‌توانستند با ورود به این عرصه، رفاه زندگی‌شان را در آینده تضمین کنند، اما اراده کاسبی و تقدیر بر این بود که او به سمت دیگری برود و جاودانه شود. به همین خاطر حضور در دانشکده هنرهای دراماتیک را به‌عنوان راهی برای شروع اهداف همیش برگزید؛ اهدافی که با ورق خوردن برگ مهمی از تاریخ ایران معاصر، کاسبی و همفکران انقلابی‌اش را از حاشیه به متن آورد. «جعفر والی» اولین اسم مهم و شناخته‌شده‌ای بود که سر راه «آقی» سریال «خوش رکاب» قرار گرفت. او که به‌همراه رکن‌الدین خسروی، حمید سمندریان، علی نصیریان و... یکی از مهم‌ترین افراد حاضر در اداره تاتار در دهه چهل بود با اجرای نمایش «یک نمایش طولانی» راه را برای حضور قد‌ترمند کاسبی در صحنه نمایش باز کرد. کاسبی که در همان روزها حرفه دوبلوری را هم امتحان کرده بود، داشت اولین برگ‌ها از نخستین فصل مهم زیست هنرمندانه‌اش را ورق می‌زد که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید و همه چیز را دگرگون ساخت. حوزه اندیشه و هنر اسلامی یا همان حوزه هنری معروف در دوران کوتاه‌مدت فترت سینمای ایران به وجود آمد تا به‌همراه بنیاد تازه‌تأسیس فارابی وظیفه پست‌اندازی این مدیوم را با حضور و نقش آفرینی جدی تنی چند از کارورزان، هنرجویان و هنرمندان جوان برعهده بگیرد. فارابی در دهه ۶۰ و ابتدای دهه ۷۰ نقش مهم‌تری در سیاست‌های جدید سینمایی داشت و با بها دادن به فیلمسازان کانونی و موج نویی درصدد موفقیت‌های بین‌المللی در جشنواره‌های مهم غربی بود. حوزه هنری اما با توجه به فهم متفاوت پایه‌گذارانش از سینما، راه دیگری را انتخاب کرد. به بیان دیگر آن‌ها تصمیم‌شان را مبنی بر ایجاد سازوکارهای جدید در برابر فهم اومانستی از هنر گرفته بودند و می‌خواستند با معرفی و تربیت افراد جدید در وادی هنر، به آورده‌ای مهم‌تر از ایستادن بر پام جشنواره‌های بین‌المللی دست پیدا کنند. محمد کاسبی، فرج‌الله سلحشور، محسن مخملباف، مجید مجیدی، محمدرضا هنر مند... در سینما، علی موسوی‌گر مارودی، قیصر امین‌پور، سید حسن حسینی، یوسفعلی میرشکاک و... در قلمرو شعر، کاظم چلیپا، عبدالحمید قدیریان، ناصر پلنگی، حبیب صادقی و... در وادی نقاشی

دوران طلایی حوزه هنری انقلاب اسلامی را در دهه ۶۰ رقم زدند؛ دوره‌ای که با تغییرات اساسی در تفکر محسن مخملباف به‌عنوان یکی از نمادهای اصلی این نهاد فرهنگی به پایان رسید و حوزه دور تازه‌ای از فعالیت‌های خود را با توجه به ریشه‌های ادیبانی‌اش آغاز کرد.

بازیگر محبوب مخملباف و محمدرضا هنرمند

برای صحبت و قلم‌زدن در مورد دوران طلایی نقش آفرینی محمد کاسبی در فیلم‌های سینمایی باید نقی به دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ تمیم. او در آن روزها بازیگر مهمی برای تولیدات سینمایی حوزه هنری بود و حضور پرسامدی در آثار کارگردانی چون محسن مخملباف، محمدرضا هنر مند، مجید مجیدی و... داشت. مخملباف که در آن دوران نقش بسزایی در جریان هنر انقلاب داشت با نگارش کتاب «مقدمه‌ای بر هنر اسلامی» و همچنین قرار گرفتن در پشت‌دوربین فیلم «توبه نصوح» به برداشتن اولین گام محکم محمد کاسبی در این مدیوم کمک کرد. همکاری این دو در دوره نخست فعالیت مخملباف در سینمای ایران تا درام به‌ظاهر سیاسی بایکوت ادامه داشت که با ورود کارگردان پرسر‌وصدا به دوره دوم کاری خود به پایان رسید. وقتی تنش فکری و تکانه‌های ایدئولوژیک مخملباف با ساخت فیلم‌هایی نظیر «دست‌فروش»، «بایسکل‌ران» و «عروسی خوان» به اوج رسید، دیگر سراغی از همکاران سابقش نگرفت و آن‌ها نیز دوری را به رفافت و دوستی نزدیک ترجیح دادند. محمد کاسبی، اما در همه این سال‌ها سکوت را به اظهارنظر در مورد همکار قدیمی‌اش ترجیح داد تا خاطراتش با مخملباف را برای همیشه خاک کند. محمدرضا هنر مند که از او به‌عنوان یکی از فیلمسازان شاخص کم‌دی در دهه ۷۰ و در دوران سازندگی و اصلاحات نام می‌بردن اولین تجربه سینمایی خود را در «مرگ دیگری» با حضور کاسبی در مقام بازیگر آغاز کرد؛ اما در سومین فیلمش، یعنی «زنگ‌ها» – که کاسبی در آن فیلم نیز نقش نخست را ایفا کرده بود– به چهره مهمی در عرصه فیلمسازی برای حوزه هنری بدل شد. زنگ‌ها در راستای فهم گردانندگان آن سال‌های حوزه هنری نگاه متفاوتی به مسئله «مرگ» داشت و در ضمن اشاره به آن، انتقادهایی را هم به زیست مردم مغرب‌زمین، آن هم در فضایی لامکان مطرح می‌کرد که با توجه به لحن طنزانه اثر که ملهم از طراحی صحنه و استفاده از لحن بازه محمود قبری و منوچهر نوذری بود، جلوه‌ای سرگرم‌کننده به سوزی می‌بخشید و همین مسئله باعث تغییر



کارویزه فیلم برای مخاطبان می‌شد؛ با این حال، زنگ‌ها اولین تجربه مهم و قابل‌انکای محمدرضا هنر مند در سینما با حضور فعال محمد کاسبی بود.

عدالت اجتماعی و اولین مدعیان آن

محمد کاسبی در گفت‌وگوهای تلویزیونی و رسانه‌ای خود در این اواخر همواره دغدغه تشیع و یکی از مهم‌ترین متعلقاتش، «عدالت اجتماعی» را بر زبان جاری می‌کرد. اما عملش نیز حداقل چه در فیلم‌هایی که به‌عنوان بازیگر در آن‌ها حضور داشت و چه آثاری که کارگردانی کرد هم به‌وضوح قابل ردیابی بود. وی فهمی ویرینی و مصرفی از عدالت نداشت و این مفهوم را برای خوش‌خوشان مخاطبان رسانه‌های رسمی به نام نمی‌برد. او با ساخت فیلم «شنادر زمستان» شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی یک جامعه آماده پوست‌اندازی را انقلاب را به‌خوبی بازنمایی کرد. نسل دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به‌خوبی اپثار و فداکاری آقای مرتضایی، معلم مدرسه فقیر جنوب شهری در برخورد روفانه با شاگردانش و همچنین قربانی شدن در راه وظیفه را به یاد دارند. «بدوک» در مقام اولین فیلم بلند سینمایی مجید مجیدی، نقشی مهم و تأثیرگذار در ادامه راه این کارگردان در سینمای ایران بازی کرد و کاسبی را به اوج شهرت رساند، به‌طوری‌که در حکم یک پیش‌نیاز برای موفقیت آینده او عمل کرد و سیمیرج بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد را برایش با بازی در فیلم «بدر» کنار گذاشت. اما بدوک چه می‌گفت که مورد خشم دولت‌سازندگی قرار گرفت؟ با اکران فیلم در سینماهای کشور، موج انتقاده‌ها به سمت مجیدی روانه شد. به‌گونه‌ای که فیلم‌زودتر از موعد از پرده پایین آمد و رئیس‌جمهور وقت در نامه‌ای از حوزه هنری و شخص مجیدی توضیح خواست. مقام مسئول در محتوای نامه اشاره کرد بود که چرا فیلمساز با وجود مشاهده تعداد زیادی سد و سیلو و مرتفع کردن خرابی‌های کشور به دست توانای دولت، آن هم پس از جنگ تحمیلی در مورد آبادانی دوباره ایران فیلم نساخته و توجهش را به کمبودها دوخته است؟ مجیدی که در بدوک سوزِ جسورانه محرومیت در جنوب شرقی ایران و مسئله قاچاق دختران به شیخ‌نشین‌های خلیج فارس را دستمایه نخستین اثرش قرار داده بود در پاسخ گفت اصالت هنر متعهد بیان درها و مشکلات مردم است! دولت‌سازندگی با متهم کردن مجیدی و سیدمهدی شجاعی (فیلمنامه‌نویس) به «سیاه‌نمایی» این عبارت را وارد ادبیات مسئولان دولتی و فرهنگ شفاهی کرد، امارهبر انقلاب که از تماشای این اثر به‌شدت متأثر شده بود درخواست پیگیری مشکلات منطقه‌ا داد که نتیجه‌آن در اولین قدم تغییر مسئولان منطقه بود. شیوه‌نگاه مجیدی به سوزِو‌هایش با بازی در فیلم‌شنا در زمستان محمد کاسبی و مصائبی – که بر سر راهش در بدوک شکل گرفت – قوام یافت، تا با همین الگو به یک‌قدمی اسکار هم برسد و سینمای ایران را با مایه‌های اخلاقی ملودرام‌های اینجایی و به‌شدت وطنی‌اش به مردم دنیا عرضه کند.

استارت‌ها چگونه می‌گیرند و چگونه تعطیل می‌شوند؟

دردسر پلتفرم‌های یک‌شبه



عاطفه ععفری دبیر گروه فرهنگ

شاید در مهر ۱۴۰۳، وقتی پلتفرم خود را راه‌اندازی می‌کردند، تصور شا هم نمی‌کردند که تنها یک سال بعد باید درباره تعطیلی آن تصمیم بگیرند. «استارت» که باسر مایه‌گذاری هلدینگ «طبیعت‌ماکان» در مهرماه ۱۴۰۳ آغاز به کار کرد، حالا در آستانه بسته‌شدن قرار گرفته است. پلتفرمی که قرار بود بازوی رسانه‌ای یک برند بزرگ اقتصادی باشد، پس از یک سال فعالیت، بابحران‌های مالی و مدیریتی روبه‌رو شده و دوسریال اصلی‌اش، «کنکل» و «جزر و مد» ناتمام مانده‌است. این اتفاق دو پرسش جدی را در فضای رسانه‌ای مطرح می‌کند: نخست اینکه ساترا بر اساس چه معیارهایی به پلتفرم‌ها مجوز فعالیت می‌دهد و نقش نظارتی‌اش پس از صدور مجوز تا چه اندازه جدی و مؤثر است؟ و دوم اینکه خود پلتفرم‌ها تا چه حد برای تولید مستمر، مدیریت منابع و حفظ مخاطب برنامه‌ریزی واقعی دارند؟

ساترا چگونه باید به موضوع استارت ورود کند؟

طبیعتاً ورود هر بازیگر جدید به عرصه نمایش خانگی، نیازمند برنامه‌ریزی و پشتوانه روشن است. اما تجربه استارت نشان داد صرف داشتن سرمایه و مجوز رسمی، تضمینی برای دوام و کیفیت نیست. به‌گفته برخی کارشناسان، یکی از وظایف اصلی ساترا پیش از صدور مجوز باید ارزیابی توان اجرایی و مدیریتی شرکت‌ها باشد؛ اما در عمل، بسیاری از پلتفرم‌ها بدون داشتن ساختار حرفه‌ای با چشم‌انداز تولید محتوا، وارد میدان و پس از مدتی با بحران مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، نظارت پس از صدور مجوز نیز خود به موضوعی بحث‌برانگیز تبدیل شده است. استارت در ماه‌های گذشته با حاشیه‌های

رسانه‌ای برخلاف بسیاری از کسب‌وکارهای اقتصادی، تنها با تزریق بودجه و تبلیغات پیش نمی‌رود. این حوزه نیازمند ترکیبی از دانش رسانه، شناخت مخاطب، تجربه تولید و برنامه‌ریزی فرهنگی بلندمدت است. بسیاری از سرمایه‌گذاران وقتی وارد فضای نمایش خانگی می‌شوند، آن را با بازار خردفروشی یا صنایع تجاری اشتباه می‌گیرند؛ درحالی که پلتفرم، اکوسیستمی چندوجهی است که باید همزمان بر کیفیت محتوا، سیاست تولید، بازاریابی، هوشمند و تعامل حرفه‌ای با هنرمندان تکیه‌کند. اگر مدیریت چنین ساختاری در دست افرادی باشد که تنها منطق اقتصادی را می‌شناسند و از سازوکار تولید محتوای تصویری، ذائقه مخاطب و حساسیت‌های فرهنگی بی‌خبرند، نتیجه‌اش چیزی جز توقف پروژه‌ها، نارضایتی عوامل و از دست‌رفتن سرمایه نخواهد بود. گردان یک پلتفرم موفق، نیازمند حضور مدیرانی است که علاوه بر سرمایه، تفکر رسانه‌ای و فرهنگی داشته باشند؛ کسانی که بلدانند پلتفرم یعنی خلق تجربه برای مخاطب، نه صرفاً تولید محتوا برای فروش. این افراد باید از مشاوران حرفه‌ای، مدیران هنری و متخصصان بازاریابی فرهنگی استفاده کنند و استراتژی روشنی برای استمرار فعالیت و حفظ اعتماد مخاطب داشته باشند. بازار پلتفرم‌های ایرانی به مدیرانی نیاز دارد که به‌اندازه سر مایه‌شان، درک رسانه‌ای و صبر فرهنگی هم داشته باشند. پول نقطه آغاز است، اما آنچه دوام می‌آورد، تفکر و برنامه‌ریزی است؛ همان چیزی که اگر نباشد، حتی پرهزنده‌ترین پروژه‌ها نیز به سرنوشت «استارت» دچار می‌شوند.

شنیده‌ها چه می‌گویند؟

براساس شنیده‌ها «فرهیختگان»، سرمایه‌گذار اصلی پلتفرم «استارت» پس از پایان جنگ ۱۲ روزه، به مالکان این پلتفرم اعلام کرده که دیگر قادر به تأمین هزینه‌های ساخت فیلم، سریال و برنامه‌ها نیست و آن‌ها باید برای

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختن‌های فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۱۱۲۷۵/۰۱۱۱۲۷۵۰۳۱۶۰۱۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختن‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بالا معارض متقاضی آقای/خانم حمید باقری فرزند قریانعلی به شماره شناسنامه ۳۹ صادره از ایران که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی محمد باقری به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی‌های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا مانع بودن تصرفات متقاضی دارد. لذا مالکیت آقای/خانم حمید باقری فرزند قریانعلی به شناسنامه شماره ۳۹ کدملی ۳۲۵۹۱۱۴۲۲۱ صادره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۷۵۲.۶۰ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۹۵ اصلی روستای بریموند واقع در کرمانشاه بخش حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تولید محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ - آیت‌اله زارع، رئیس ثبت اسناد و املاک ۴۶۴۳ م/الف ۱۲/ - آیت‌اله زارع، رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۴۰۴/۰۸/۰۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختن‌های فاقد سند رسمی برابر رأی شماره ۱۱۱۲۷۵/۰۱۱۱۲۷۵۰۳۱۶۰۱۴۰۴۶۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۵/۱۴ هیات اول/دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختن‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک تصرفات مالکانه بالا معارض متقاضی آقای/خانم حمید باقری فرزند قریانعلی به شماره شناسنامه ۳۹ صادره از ایران که حکایت از احراز مالکیت متقاضی نسبت به ملک مورد تقاضا و انتقال ملک از مالک رسمی غلامرضا محمودی به متقاضی داشته و تصرفات متقاضی نسبت به مورد تقاضا احراز گردیده و بررسی‌های محلی کارشناس که حکایت از عدم تعارض و بلا مانع بودن تصرفات متقاضی دارد. لذا مالکیت آقای/خانم حمید باقری فرزند قریانعلی به شناسنامه شماره ۳۹ کدملی ۳۲۵۹۱۱۴۲۲۱ صادره از کرمانشاه مبنی بر صدور سند مالکیت نسبت به شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۶۴۴۳.۸۹ متر مربع در قسمتی از پلاک ۱۹۵ اصلی روستای بریموند واقع در کرمانشاه بخش حوزه ثبت ملک کرمانشاه ناحیه یک محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ - آیت‌اله زارع، رئیس ثبت اسناد و املاک ۴۶۴۱ م/الف ۱۲/ - آیت‌اله زارع، رئیس ثبت اسناد و املاک ۱۴۰۴/۰۸/۰۷

سازمان آگهی‌های روزنامه

فرهیختگان

Advertisement's Organization

تلفن وفکس: ۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵

ایمیل: a66348018@gmail.com

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی

کانون تبلیغاتی سیهر جوان

۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

۵